یادداشت

احیای برجام و افکار عمومی!

احمد زیدآبادی
روزنامه‌نگار و فعال سیاسی

به خلاف ظاهر امور، توافق برجام در حال تبدیل شدن به یک گره کور است. این توافقنامه هم اکنون نیمه‌جان و در اغمای سنگین است. برای احیای آن، روحش باید به جسمش بازگردد، کاری که مستلزم کوششی همه‌جانبه و مبتنی بر اعتماد متقابل است، یعنی دقیقاً همان چیزی که در فضای کنونی به ندرت دیده می‌شود! از نگاه جمهوری اسلامی، برجام اصولاً روحی ندارد که بخواهد به جسمش بازگردد! از این منظر، برجام توافقی در مورد کاهش موقت فعالیت‌های هسته‌ای ایران در برابر تجارتِ بدون مانع با جامعهٔ بین‌المللی است و جز این، هیچ وجه و بُعد دیگری ندارد. بنابراین، از نگاه آنان برجام فقط یک جسم است که به جای احیاء، فقط باید دیده شود و مورد توجه قرار گیرد و این هم کاری آسان و یک شبه است! طرف مقابل اما از همان ابتدا، روحی برای برجام قائل بوده است. از چشم آنان، برجام انداموارهٔ زنده است و حیات آن هم به نوع کارکرد روحش بستگی دارد. طبق این تلقی، اقتضای کارکرد صحیح روح برجام این است که راه را برای «بازگشت ایران به جامعهٔ جهانی» یا به عبارتی فاصله گرفتن جمهوری اسلامی از سیاست‌های چهار دههٔ گذشتهٔ خود هموار کند و در نهایت به خصومت بین آن با آمریکا و متحدانش پایان دهد. به زبانی دیپلماتیک‌تر، از نگاه جمهوری اسلامی، برجام توافقی تاکتیکی برای عبور از گرداب تحریم‌هاست اما از نگاه طرف غربی، توافقنامه‌ای استراتژیک به منظور حل اختلافات بنیادی با ایران از طریق گشودن مسیر دیپلماسی است. ظاهرا برخی از مقام‌های جمهوری اسلامی به‌خصوص در دولت، علاقه‌ای به اذعان به این تلقی دوگانه و حتی بعضا متضاد از برجام از سوی دو طرف مناقشه ندارند و به محض آشکار شدن علایم پیروزی جو بایدن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، بازگشت به برجام و لغو تحریم‌ها را چنان نزدیک یافتند که سطح انتظارات مردم را از این موضوع تا حد اغفال عمومی بالا بردند! این اغفال عمومی، خود نشانگر بی‌تابی مقام‌های دولتی برای لغو تحریم‌هاست و این بی‌تابی نیز به نوبهٔ خود از نگرانی عمیق پشت پردهٔ آنها از وخامت حال اقتصاد کشور حکایت دارد؛ یعنی همان نکته‌ای که محمد باقر نوبخت به طرز ناشیانه‌ای آن را در جریان دفاع از لایحهٔ بودجه در سطح مجلس افشا کرد و خطاب به قالیباف گفت: مگر شما گزارش‌های کاملا سری در مورد وضع اقتصاد کشور را نخوانده‌اید؟ طبعاً این اوضاع، چیزی نیست که از چشم طرف مقابل پنهان مانده باشد. آنها با صبر و حوصله در حال ترسیم خطوط اصلی دیپلماسی مشترک خود برای فعال کردن «روح برجام» در صورت احیای آن هستند. در واقع حرف مقام‌های آمریکایی و اروپایی این است که آیا ایران نهایتا به رفع اختلافات بنیادی خود با آنها از طریق دیپلماسی، تمایلی واقعی دارد یا خیر؟ پاسخ طرف ایرانی تا این لحظه به این پرسش مشخص نیست! حسن روحانی و محمد جواد ظریف بعضا با زبانی پاسخ می‌دهند که گویی ایران آمادهٔ چنین اقدامی است. از نگاه متحدان غربی، مصوبه مجلس ایران با عنوان «قانون راهبردی برای لغو تحریم‌ها» نشان از بی‌علاقگی برای ورود به دیپلماسی مؤثر است چراکه به نظر آنان، این مصوبه چیزی جز تلاش برای وادار کردن آمریکا به لغو سریع تحریم‌ها از موضع تهدید نیست. در حقیقت همهٔ علاماتی که تاکنون دولت جو بایدن در مورد برجام از خود نشان داده است؛ چیزی جز ترسیم خطوط کلی مسیر دیپلماتیک و زمینه‌سازی برای اجماع با متحدان خود به قصد کشف هدف نهایی و نیات واقعی جمهوری اسلامی در مورد غایت برجام نیست. به هر حال، جمهوری اسلامی برای تعیین تکلیف خود و طرف مقابل، لازم است در این باره تصمیم روشن‌تری بگیرد و آن را به طور علنی اعلام کند. در حقیقت تا لحظه‌ای که سیاست اصلی نظام در این مورد رسما اعلام نشود، دم زدن از لغو قریب‌الوقوع تحریم‌ها آنگونه که علی ربیعی سخنگوی دولت اخیرا مطرح کرده است، چیزی برای اقناع عمومی به حساب نمی‌آید!

روی خط

مهرداد لاهوتی:

قوه مقننه نباید درگیر انتخابات ریاست جمهوری شود

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ برای هر دو جناح اهمیت دارد و آنها برای توفیق در این رقابت می‌خواهند همه ظرفیت‌های خودشان را فعال کنند اما در این بین جمعی از نمایندگان می‌خواهند در نامه‌ای رسمی از برخی چهره‌های اصولگرا برای نامزدی در انتخابات دعوت کنند؛ این اقدام با واکنش تحلیلگران و فعالان سیاسی همراه شد و آنها معتقدند «نامه یادشده بُعد نظارتی مجلس را تضعیف می کند». مهرداد لاهوتی درباره نامه حمایت جمعی از نمایندگان برای نامزدی برخی چهره‌ها در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ به «نامه‌نیوز» گفت: اخبار حکایت از آن می کند که مجلس این کار را انجام داده است. این کار به لحاظ شخصیت حقوقی کار درستی نیست اما به‌عنوان شخصیت حقیقی مشکل قانونی ندارد. وی با بیان اینکه نمایندگان باید تلاش کنند قوه مقننه درگیر انتخابات ریاست جمهوری نشود، ادامه داد: این اقدام قطعا آثار خوبی به همراه نخواهد داشت چون این موضوع را در جامعه تفهیم می کند که مهندسی پشت انتخابات است چون همیشه مردم نگران این مسأله هستند. حال آنکه شاید اینطور نباشد. عضو حزب اعتدال و توسعه افزود: نظام ما مردم‌سالار است و مردم انتخاب می کنند و تصمیم اول و آخر را نیز مردم می گیرند. در همه جای دنیا نظارت و فیلتری در حوزه برگزاری انتخابات وجود دارد اما اگر ذهن مردم برود به سمتی که مهندسی پشت انتخابات وجود دارد، معنی‌اش آن می‌شود که مردم نقشی در انتخابات ندارند. جا افتادن چنین دیدگاهی در جامعه قطعا بر میزان مشارکت مردم اثر منفی می گذارد. وی یادآور شد: البته اگر هر نماینده‌ای براساس شخصیت حقیقی خود از کاندیدایی حمایت کند، ایرادی به آن وارد نیست، در هر دوره از انتخابات این اتفاق می‌افتد بنابراین یک امر طبیعی است اما اگر مجلس مستقیما وارد حمایت و دفاع از نامزدی خاص شود آثار منفی به‌دنبال خواهد داشت. این فعال سیاسی اعتدالگرا افزود: البته با توجه به اطلاعاتی که دارم این حرکتی که برخی دوستان نماینده انجام دادند خود آن شخصیت مورد نظر راضی نبود که چنین کاری انجام شود. اینها معمولا تصمیمات احساسی است که گرفته می‌شود.

سید مهدی ذاکریان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

از ظرفیت دبیرکل سازمان ملل برای احیای برجام استفاده کنیم

- نگاه یک نظام سیاسی باید به ملت و خواسته‌هایش باشد
- با بدن در عمل دچار تناقض و پارادوکس است
- همه طرف‌های برجام باید به ایران خسارت یا امتیاز بزرگ بدهند
- باید از دیپلماسی پارلمانی و حقوقی بهره ببریم
- خیلی از مسائل منطقه با ورود ایران پایان می‌یابد
- انگیزه نابودی برجام با کاهش تعهدات متفاوت است

آرمان ملی- حمید شجاعی: پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بسیاری معتقد بودند که اگر شخص مقابل ترامپ رای بیاورد می توان انتظار داشت که آمریکا به برجام بازگردد و تحریم‌های یکجانبه و ظالمانه برداشته شود. پس از مدتی که رقابت‌های انتخاباتی آغاز شد و جو بایدن رقیب ترامپ گردید با طرح شعارهایی از جمله بازگشت به دیپلماسی جهانی، بازگشت به توافقنامه آب و هوایی پاریس، بازگشت به برجام و لغو تحریم‌های ایران و برداشتن محدودیت ورود مسلمانان به آمریکا را مطرح کرد با رای بالایی به ریاست جمهوری رسید. حال که بیش از یک ماه از روی کار آمدن بایدن و دولت متبوع وی می گذرد وی در عمل هنوز اقدامی در جهت بازگشت به برجام و لغو تحریم‌های ایران انجام نداده است. هر چند برخی اقدامات از قبیل پس گرفتن نامه از شورای امنیت برای احیای تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و رفع موانع حضور دیپلمات‌های ایرانی در آمریکا را می توان چراغ سبزی برای احیای برجام به شمار آورد اما آنچه مسلم است بایدن و اطرافیانش همچنان در یک تناقض به سر می‌برند. اینکه بارها گفته‌اند به برجام برگشته و تحریم‌ها را لغو می کنیم اما امروز در عمل سخنی دیگر می گویند. در این راستا برای بررسی حواشی برجام، رویکرد آمریکا به این توافق و لغو تحریم‌ها و اقدامات و تصمیمات ایران «آرمان ملی» با سید مهدی ذاکریان کارشناس و تحلیلگر بین‌الملل و استاد دانشگاه به گفت و گو پرداخته است که می خوانید.

بسیار مطرح می‌شود که با روی کار آمدن بایدن بازگشت آمریکا به برجام و لغو تحریم‌ها بیش از پیش محتمل است؛ تحولات پیرامون برجام را چگونه تحلیل می کنید؟

من معتقدم امید یک نظام سیاسی باید به ملتش باشد چرا که قدرتش از مردم حاصل می‌شود. بنابراین مهم این است که نگاهمان به ملت و خواسته‌هایشان باشد. استقلال و تمامیت ارضی یک کشور زمانی قابل احصا است که مردم و نظام سیاسی با هم همراهی کنند. بنابراین اینکه منتظر باشیم بایدن چه کند فرع موضوع است. اصل خود ملت است؛ آنچه که خود مردم در انتخابات سال ۹۲ و ۹۶ خواستند و کمتر کسی به آن توجه کرد از آنهایی که رای آوردند و رای نیاوردند فکر کردند که مردم به کاندیدای منتخب رای داده‌اند اتفاقا ملت ایران در این دو انتخابات پیام مهمی را به دنیا دادند. آن پیام این بود که ما ملتی هستیم که در جغرافیای بین‌المللی آماده همکاری با سایر کشورها مبتنی بر اصول و قواعد بین‌المللی هستیم. منشور سازمان ملل را نگاه کنید می گوید باید دنبال صلح، حقوق بشر، توسعه اقتصادی و همکاری بین‌المللی باشید. مردم هم به همین مفاهیم رای دادند. بر همین مبنا اقدامی که توسط وزیر امور خارجه انجام پذیرفت مورد پشتیبانی مردم ایران قرار گرفت. آن اقدام مذاکره ۶ کشور در قالب یک تفاهم بین‌المللی بود که طی آن توافقنامه برجام منعقد شد و در پی آن قطعنامه‌ای صادر شد و بیرون آمد. وقتی برجام منعقد شد پس از مدتی یکی از طرف‌ها خارج شد و نه تنها خارج گردید بلکه مجازات‌هایی را برای کسانی که بخواهند به آن تفاهم عمل کنند پیش بینی کرد. یعنی در قطعنامه آمده بود که جامعه بین‌المللی تفاهم جدیدی برای همکاری اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی را آغاز می کند. این در متن برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ هم موجود است. قطعنامه ۲۲۳۱ کشورها را به همکاری با ایران و برداشتن تحریم‌ها ملزم می کند. اما نه تنها یکی از طرف‌ها به رهبری ترامپ این قطعنامه را نقض کرد بلکه به دیگران هم گفت که اگر با ایران همکاری کنند مشمول جریمه می‌شوند. از طرفی در نزاع‌های انتخاباتی و اختلافات سیاسی داخل آمریکا یکی از طرف‌ها اعلام می کند که این رویه غلط، نقض حقوق بین‌الملل و قطعنامه است و ترامپ اشتباه می کند. حال مناظرات انتخاباتی به اتمام رسیده و فرد مقابل ترامپ رئیس جمهور شده است. ولی اکنون او به همان حرف‌هایی که پیش از انتخاب می‌زد عمل نمی کند و همان رفتاری را که نسبت به آن اعتراض داشت تکرار می کند. لذا این رفتار غلط از سوی وی ادامه دارد. در حالی که رفتار صحیح از سوی ملت ایران اعلام شد که ما آماده همکاری بین‌المللی هستیم اما وقتی شما دست دوستی به سمت دیگران دراز می کنید و دیگران به جای اینکه به شما دست بدهند با دست به شما می‌زنند پاسخ این نیست که او را ببوسید بلکه باید تعهدات خود را کم کنید. ایران نیز به آژانس و سایر طرف‌های برجام اعلام کرد که به خاطر تشویق آمریکا و سایرین برای بازگشت به برجام تعهدات خود را به صورت پله‌ای کاهش می‌دهد و همین کار را کرد. حال بایدن دچار تناقض است و باید از او پرسید که چرا پیش از انتخابات از بازگشت به برجام و لغو تحریم‌ها سخن می گفت اما اکنون به گفته‌های خود عمل نمی کند. تا دیروز به ترامپ اعتراض می کردند و امروز همان رویه را تکرار می کنند. فلذا این پارادوکسی است که آمریکایی‌ها با آن مواجه هستند.

> وقتی شما دست دوستی به سمت دیگران دراز می‌کنید و دیگران به جای اینکه به شما دست بدهند با دست به شما می‌زنند پاسخ این نیست که او را ببوسید بلکه باید تعهدات خود را کم کنید. ایران نیز به آژانس و سایر طرف‌های برجام اعلام کرد که به خاطر تشویق آمریکا و سایرین برای بازگشت به برجام تعهدات خود را به صورت پله‌ای کاهش می‌دهد و همین کار را کرد

پس اساسا رویکرد اتخاذ شده از سوی کشورمان کاملا درست و هدفمند بوده و برای احیای این توافق؛ بازگشت آمریکا به برجام و لغو تحریم‌ها را می توان امری اجتناب ناپذیر دانست؟

ما جاده ورود ممنوعی را نرفتیم و خیابان قدغن شده‌ای را وارد نشدیم که بخواهیم برگردیم. آمریکایی ها که جاده ورود ممنوع را وارد شدند باید برگردند. حال اینکه موضع ایران درست است یا نه را می توان از دو منظر تبیین کرد. یک موقع حرکت‌هایی برای کاهش تعهدات صورت می گیرد که شامل اطلاع به آژانس و سایر طرف‌های برجام است که کاهش تعهدات به خاطر نقض اصل مسئولیت توسط یکی از طرف‌های برجام و با انگیزه تشویق آن طرف به بازگشت به برجام است. این نوع واکنش منطقی و مورد پسند است. کاری که وزارت امور خارجه و دولت انجام داد از لحاظ حقوقی نیز در دنیا پذیرفته است که برابر با ۲ بند ۲۶ و ۳۶ برجام اقدامات کاهشی ایران را توصیه می کنیم که اینها به منظور تشویق سایر طرف‌های برجام برای انجام تعهداتشان بوده که در برجام ذکر شده است. اما طیف دیگری در کشور وجود دارد که می گوید اساس توافقنامه و برجام مورد قبول ما نیست و با انگیزه طرحی را تهیه می کند که حساسیت زاست. مثلا الزام به اینکه از پروتکل الحاقی خارج شوید یا الزام دولت به عدم تعهد به قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام که می تواند مشکلاتی را در جامعه بین‌المللی به‌وجود بیاورد. لذا انگیزه نابودی برجام با انگیزه کاهش تعهدات به منظور بازگشت دیگر طرف‌ها به برجام کاملا متفاوت است و باید بین این دو تفکیک قائل شد. هر چند که دومین رویکرد برای کشور مزاحمت ایجاد می کند و به دست کشورهای مخالف ایران مثل اسرائیل و عربستان بهانه می‌دهد که ایران می‌خواهد NPT، پروتکل الحاقی و قطعنامه را نقض کند. در حالی که پیشتر آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها نقض کردند اما توجهی نشد. لذا اگر من واکنش ایران را تایید می کنم تایید در این حوزه است. رهبری هم همین جمله را گفتند که هر موقع آمریکایی‌ها به برجام برگردند و تمام تحریم‌ها را لغو کنند ما هم به تعهداتمان برمی گردیم. دلیلی ندارد زمانی که طرف‌های دیگر به تعهدات خود عمل نمی کنند ما عمل کنیم. البته گفته می‌شود آمریکایی‌ها عمل نمی کنند اما اروپایی‌ها نیز عمل نکردند. آمریکا خارج شد اما این دلیل نمی‌شود که اروپا ساکت بنشیند و اجازه بدهد که توتال ایران را ترک کند یا شرکت‌های آلمانی در ایران فعالیت‌های اقتصادی خود را انجام ندهد؛ اما این اتفاق افتاد. در حالی که سرمایه گذاری، مبادلات اقتصادی و صادرات همه باید فعال باشند. من دیدم که یکی از مسئولان گفته بود که «می توانیم با کشورهای منطقه تجارت داشته باشیم». کشورهای منطقه بدون اجازه آمریکا آب نمی توانند بخورند و آمریکایی‌ها مزاحمت‌هایی را ایجاد کردند که هیچ کشوری با ایران کار نکند. بنابر این همه اینها نقض تعهد کردند و اگر بازگردند و به تعهد خود عمل کنند ایران نیز مشکلی ندارد و حاضر است به تعهدات بین‌المللی خود عمل کرده و در این زمینه فعالیت کند.

با توجه به شرایط حاضر می توان انتظار داشت که آمریکا و اروپا به تعهدات خود عمل کنند یا روند به همین صورت با اتلاف وقت پیش خواهد رفت؟

ما باید شرایط را در نظام بین‌الملل به گونه‌ای فراهم کنیم که کشورها به این اجماع برسند که ارزش همکاری با ایران بیشتر از تقابل با ایران است. ما نتوانستیم این فضا را به وجود بیاوریم و از هزینه‌هایی که در حوزه‌های مختلف می کنیم مزیت نسبی برای کشور و ملت بوجود بیاوریم. به عنوان مثال؛ در عراق این همه زحمت کشیدیم و علیه داعش فعالیت کردیم، در سوریه این همه علیه گروه‌های افراطی فعالیت کردیم در همکاری با دولتی که از نظر سازمان ملل دولت رسمی و قانونی سوریه است. در افغانستان، فلسطین، یمن و بسیاری از کشورها به صورت اخلاقی و صحیح فعالیت‌هایی را داشتیم که البته برخی از این فعالیت‌ها نیز محل نقد است. ولی بسیاری از اینها در راستای اهداف متعالی بود. همه این مداخلات و حضورهایی که داشتیم به جای اینکه به مزیت نسبی برای کشور تبدیل شود موجب دردسر برای ملت ایران شد. به این خاطر که این حرکت‌ها و رفتارها با ادبیات و زبان جامعه بین‌المللی ارائه نشد. به عنوان نمونه درباره عملیات تروریستی علیه مقام رسمی جمهوری اسلامی ایران سردار شهید سلیمانی این یک جنایت و جرم بین‌المللی بود که اتفاق افتاد؛ آمریکایی‌ها انجام دادند و خودشان هم اعلام کردند که ما انجام دادیم این جرم بین‌المللی مورد محکومیت همه کشورها است ولی در ادبیات ایران در برخورد با این جرم کمتر صحبت کردند که مرتکبین این عمل باید به دست عدالت سپرده شوند یا تحت تعقیب بین‌المللی به شیوه صحیح آن قرار گیرند و ما خواهان اجرای عدالت و محکومیت ترور در جامعه بین‌المللی هستیم. همه از کوچک تا بزرگ یک شعار را تکرار کردند که می‌خواهیم انتقام بگیریم. در حالی که واژه انتقام در ادبیات جامعه بین‌المللی بازخورد مناسبی ندارد و موجب می‌شود ما تنها شویم، کسی کنار ما نایستد و همراهی نکند. در حالی که می توانستیم بگوییم که ما خواهان مبارزه با مرتکبین اعمال تروریستی هستیم. آنجایی که ما به صورت تخصصی در ادبیات بین‌المللی صحبت نمی کنیم تبدیل به یک مزیت نسبی برای ملت ایران نمی‌شود و به نتیجه نمی‌رسد. اکنون نیز باید تلاش کنیم که همکاری با ایران مورد نیاز جامعه بین‌المللی است. خیلی از مسائلی که در منطقه است مثل مساله یمن، افغانستان، بحرین، لبنان و فلسطین با ورود ایران می‌تواند به پایان برسد. ایران نقش موثری دارد. آمریکایی‌ها این همه هزینه می کنند و با بحرین و امارات قراردادهایی بستند که صلح به‌وجود آید. در حالی که صلح اینگونه به‌وجود نخواهد آمد. اصلا بحرین و امارات در مساله فلسطین چه کاره‌اند و چه نقش و تاثیری دارند؟ اما ایران نقش موثر و مهمی دارد. در مسائل افغانستان به همین صورت. یکی از خطاها همین است که نقش ایران را نادیده می گیرند. این اصلا ربطی به نظام سیاسی ندارد؛ جغرافیای سیاسی و فرهنگی ایران به گونه‌ای است که همواره دارای نفوذ است. ایران در لبنان همیشه دارای نفوذ بوده و در افغانستان، آسیای مرکزی، قفقاز و جنوب خلیج فارس نیز به همین صورت بوده است. این بافت فکر و معنوی است که وجود دارد و باید آن را خوب معرفی کرده و نشان دهیم در این زمینه باید تلاش بیشتری صورت گیرد و این تلاش هم خوب نیست.

نفوذ ایران در کشورهای منطقه را بیشتر ناشی از دیپلماسی منطقه‌ای می‌دانید یا حضور مستشاری و نظامی؟

این حضور به نظر من حضور تمدنی و مدنی ایران در منطقه و نظام جهانی است. در تاریخ روابط خارجی ایران در تاریخ گسترش امپراطوری ایران از زمان هخامنشیان تا زمان ساسانیان در همه دوره‌ها حضور ایران یک حضور مدنی بوده و در همه جا حضور مبتنی بر احترام بوده است. این حضور تمدنی همچنان وجود دارد که برخی می‌خواهند آن را نادیده بگیرند. خب، طبیعت حضور تمدنی اقتدار نظامی، اقتصادی و صنعتی است. برخی نتوانستند توازن میان اینها را به وجود آورند. عده‌ای تصور می کنند هر چه توان داریم باید در مسائل اقتدار نظامی قرار دهیم و برخی دیگر نیز فکر می کنند که باید توانمان صرفا در مسائل فرهنگی باشد که هر دو اشتباه می کنند. یک کشور هم به نیروی دفاعی نیاز دارد و هم به مغزهای فرهیخته و زبان‌های آشنا با جامعه بین‌المللی. وقتی کسی نتواند در درون کشور خود قانون را رعایت کند و با مامور قانون هم با گستاخی برخورد کند، توهین کند یا به او سیلی بزند در جامعه بین‌المللی نیز بخواهد چنین مدل‌هایی را تکرار کند کسی کنارمان نمی‌ماند. وزارت خارجه در این زمینه سعی کرد کاری جدی انجام دهد اما گاه به حدی وزارت خارجه را هم درگیر می کنند که به برخی از مسائل توجه نمی کند.

در مساله برجام و نحوه رویارویی بایدن با ایران چه راهکارهایی را مطرح می کنید؟

ما راهکارمان را فقط به ارتباط دوجانبه با اروپا و روسیه محدود کردیم و سعی می کنیم اینها را متقاعد کنیم در حالی که ظرفیت‌های دیگری در جامعه بین‌المللی برای وادار کردن آمریکا برای برگشتن به توافق وجود دارد. یکی از این ظرفیت‌ها ظرفیت دبیر کل سازمان ملل است. ما چقدر از این ظرفیت استفاده کردیم؟ ترامپ از این ظرفیت استفاده کرد و زمانی که می‌خواست قطعنامه پیشنهادی خود را به شورای امنیت ببرد یک گزارش از دبیر کل گرفت و سعی کرد گزارشی از دبیر کل علیه ایران بگیرد تا مقداری فضای شورای امنیت مخدوش شود تا بتواند قطعنامه پیشنهادی علیه ایران را به تصویب برساند که رای هم نیاورد. ما اکنون در این دوره این ظرفیت را فراموش کردیم و باید از ظرفیت سازمان ملل، سازمان‌های بین‌المللی، اتحادیه اروپا و سایر سازمان‌های منطقه‌ای استفاده کنیم. دیپلماسی باید فعال باشد. البته دیپلماسی صرفا در حوزه وزارت خارجه نیست و در حوزه‌های دیگر نیز دیپلماسی داریم که نیمه تعطیل یا تعطیل است. دیپلماسی پارلمانی یکی از انواع دیپلماسی است که رئیس مجلس می‌تواند با روسای سایر مجالس دنیا تماس بگیرد، صحبت کند و با ادبیات بین‌المللی عنوان کند که ما به همه تعهدات بین‌المللی پایبند بودیم و سعی کردیم عمل کنیم. قطعنامه و توافق‌نامه برجام را پذیرفتیم اما آمریکایی‌ها نکردند. اینها نکات مهمی است منتها ما تلاش خودمان را در جاهای دیگری معطوف می کنیم و در مسائل شخصی آینده خودمان را می‌بینیم و فعالیت‌ها و توانایی‌هایمان را بر آینده خودمان متمرکز می کنیم. در حالی که باید آینده کشور را ببینیم و از توان خودمان و در آن موقعیتی که داریم برای پیشرفت کشور استفاده کنیم. به همین صورت دیپلماسی حقوقی که رئیس قوه قضائیه با قضات و حقوقدانان دنیا ارتباطات موثر برقرار کند. از طرفی خط دو دیپلماسی که دیپلماسی رسانه‌ای، روشنفکران و دانشگاهیان است که در کنفرانس‌ها و سمینارهای بین‌المللی می‌توانند موثر باشند. باید یک وحدت و انسجام ملی باشد تا ایران بتواند از این بحران عبور کند. ما تعهدات خودمان را رعایت کردیم و آمریکایی‌ها نقض کردند و من معتقدم آمریکایی‌ها حتی باید خسارت بدهند و صرف برگشتن کافی نیست. اینها ۳ سال سبب شدند که نه خودشان بلکه سایر کشورها نیز با ایران تعامل نکنند. این خسارت جدی به ملت ایران زده و باید خسارت بزرگ یا امتیاز بزرگی به ایران بدهند و الا صرف برگشتن کار خیلی بزرگی نیست. اینکه بگویند شما بیاید عمل کنید توهین‌آمیز است و آنها عمل نکردند و همه طرف‌های برجام چه آمریکا، اروپا، روسیه و چین باید به ایران خسارت بدهند. ممکن است گفته شود به ایران اعتمادی نیست؛ اما ایران که کارش را قبلا انجام داده و سوابق و پیشینه خوبی از لحاظ اعتمادسازی دارد. اعتماد به شما نیست که از انجام تعهدات سر باز زدید و باید این خسارت بزرگ را جبران کنید تا ایران برای یک عمل خوب تشویق شود.

فرارو

جواد امام از تبعیض در مورد معاون شهردار سابق می گوید:

سریال برای کرباسچی ساختند اما دریغ از یک کلیپ درباره عیسی شریفی

آرمان ملی: صداوسیما دهه‌هاست که نگاه خاص خود را آشکار کرده است. نگاهی که البته طی این سال‌ها به شکل خیلی خاص‌تری خود را به نمایش می گذارد. این‌بار اما اشاره اخیر جواد امام عضو بنیاد باران مبنی بر تفاوت نوع رفتاری که این سازمان با دوران شهرداری و محاکمه کرباسچی با معاون شهردار سابق داشته است یکبار دیگر نماد بارزتری از سلیقه جناحی و نوع برخوردها با اشخاص در رسانه ملی است. وی به سایت «نواندیش» گفت: نوع برخوردی که اکنون با پرونده عیسی شریفی، قائم‌مقام شهردار پیشین تهران، شاهد آن هستیم با اتفاقی که در دوره شهرداری کرباسچی دیدیم متفاوت است. با اتفاق دوران آقای کرباسچی، یک سریال تلویزیونی ساختند اما در مورد پرونده عیسی شریفی حتی یک کلیپ هم بازنشر نشده که قضیه چه چیزی بوده و به کجا رسیده است. آنچه مسلم است این است که اتفاقی رخ داده تخلف و جرمی صورت گرفته است، اینجاست که دستگاه قضایی باید در این باره شفاف‌سازی کند تا نسبت این جرم و دامنه و ارتباطش هم با نیروی مسلح و شائبه‌هایی که با اشخاص دیگر مطرح است پاسخ داده شود تا به هر حال جامعه و افکار عمومی هم تکلیفشان را با این نوع پرونده‌ها بدانند. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که هردوی این چهره‌ها یعنی کرباسچی و شریفی متهم به مسائل مالی بودند. از سویی در همان زمان اتهامات کرباسچی، جلسات دادگاه او از تلویزیون پخش می‌شد و بدیهی است که از خیلی چهره‌ها و شخصیت‌ها نیز در آن برهه در جلسه دادگاه نام برده شد که تلویزیون نیز آنها را پخش می کرد. هرچند آن زمان صداوسیما این موضوع را در چارچوب شفافیت می‌دانست، اما گروه‌های زیادی هم بودند که رفتار این رسانه را ناشی از تلاش برای تخریب رئیس دولت اصلاحات و اساسا این جریان در کنار شخص کرباسچی تعبیر می کردند. محاکمه غلامحسین کرباسچی در سال ۷۷ انجام و به اتهام فساد مالی به زندان محکوم شد. وی تا سال ۱۳۷۹ بیش از ۲ سال را در زندان اوین سپری کرد. تخریب کرباسچی از آنجایی که بهانه خوبی برای تخریب جریان چپ نیز بود باعث شد تا صداوسیما هم در این راستا کم نگذارد و آنگونه که جوادامام هم می گوید کار به ساخت سریال رسید. اما هنوز که هنوز است پرونده معاون شهردار سابق در هاله‌ای از ابهام است هرگز در مورد آن شفاف‌سازی نشده است، سخن مشخصی در تلویزیون در مورد آن مطرح نمی‌شود و بحث و بررسی در موردش صورت نگرفته، چه برسد به ساخت سریال. عیسی شریفی پس از مشخص شدن نتایج انتخابات شورای شهر و ریاست جمهوری در سال ۹۶، با آغاز صحبت از تخلفات در شهرداری تهران، در اواخر دوره شهردار سابق تهران استعفا داد. شهریور ۹۶ بود که سخنگوی وقت قوه قضاییه بازداشت عیسی شریفی به اتهام مالی را تایید کرد. برخی نقش داشتن او در املاک نجومی و اهدای زمین‌ها و خانه‌هایی را که با مبلغی بسیار کمتر از ارزش واقعی در اختیار شماری از مقامات قرار داده بود از جمله اتهامات او می‌دانستند و برخی هم موارد دیگری از فساد مالی را مطرح می کردند. بعضا سخن‌ها از اتهامات چند هزار میلیاردی دراین زمینه نیز می‌شد. اما این پرونده هنوز شفاف‌سازی نشده است. اوج عجیب بودن ماجرا زمانی بود که در مجلس یازدهم مصطفی میرسلیم شهرداری تهران را به پرداخت رشوه ۶۵میلیارد تومانی به نمایندگان مجلس دهم متهم کرد. او گفت این رشوه برای این بوده تا پرونده فساد شهرداری سابق در جلسه کمیسیون بررسی نشود و البته دست آخر هم معلوم نشد که ماجرای این رشوه و این ادعا به کجا ختم شد و البته که در این داستان نیز رسانه ملی چندان به این مبحث وارد نشد و اوضاع را کنترل کرد. نکته اصلی در اینجاست که اگر بنای به شفافیت از سوی صداوسیماست میان آدم‌ها چرا تا این اندازه تفاوت است و البته بر چه اساس این روند را ادامه می‌دهد. چرا برنامه‌ای برای عیسی شریفی ساخته نمی‌شود و در مورد او و اطرافیانش آنچه باید گفته شود، نمی‌شود.

نکته

تازه‌ترین جزئیات از پرونده عنابستانی

عضو هیات نظارت بر رفتار نمایندگان درباره آخرین تغییر و تحولات پرونده سیلی علی‌اصغر عنابستانی به صورت مامور راهنمایی گفت: در هیات نظارت جلساتی پیرامون بررسی موضوع برگزار کردیم و در این جلسه از آقای عنابستانی نماینده سبزوار دعوت کردیم تا صحبت‌های خودشان را درباره این حادثه مطرح کنند. علاوه بر این نیز طی نامه‌ای از مسئولان نیروی انتظامی درخواست کردیم تا هماهنگی‌ها و اقدامات لازم را برای حضور آن مامور و سایر شاهدان حادثه را در هیات نظارت بر رفتار نمایندگان فراهم کنند. همچنین از مسئولان نیروی انتظامی درخواست شد در صورت دسترسی به فیلم کامل موضوع، آن را در اختیار هیات قرار دهند. محمد سرگزی تصریح کرد: با توجه به نبود مستندات کافی و عدم حضور افراد دعوت شده و نیز تشکیل پرونده و بررسی آن از سوی دستگاه قضایی، هیات نظارت بر اساس آیین‌نامه داخلی مجلس، پس از تصمیم دستگاه قضایی اظهارنظر خواهد کرد. وی با اشاره به فیلم منتشر شده بین نماینده سبزوار و مامور راهنمایی و رانندگی در فضای مجازی، گفت: این فیلم کامل نبود لذا ما از نیروی انتظامی درخواست کردیم تا در صورت دسترسی به فیلم کامل ماجرا، آن را نیز به هیات نظارت بر رفتار نمایندگان ارسال نماید. البته ما همین درخواست را هم به شهرداری تهران طی مکاتباتی اعلام کردیم تا چنانچه آنان فیلمی از این اتفاق در اختیار دارند، به هیات ارائه کنند. طی چند روز اخیر شهرداری تهران فیلمی از اتفاق به هیات ارسال کرده است ولی از آنجایی که طی دو روز گذشته، هیات نظارت جلسه‌ای نداشته است، فعلا فیلم بررسی نشده است.